

گزارش

احسان احمدی

روزنامه نگار

خروجی تصمیمات مرتبط با دستمزد نیروی کار به واسطه قوانین و مقررات، وضعیت اقتصادی، سبد معیشت خانوار، تورم و دیگر مؤلفه‌های مؤثر در وضعیت تولید و زندگی جامعه کارگری، قابل مشاهده است. همچنین به دلیل گسترده‌گی مسائل مرتبط با دستمزد نیروی کار، موضوعاتی نظیر حقوق و مزایای کارگران سایر سطوح، ارتباط اقتصاد کلان و مزد، انتظار کاهش هزینه‌های درمانی و موانع هزینه‌بر نظیر بازنشستگی‌های پیش از موعد، الزام کاهش هزینه آموزش برای خانوار کارگری و توان پرداخت دستمزد کارگاه‌ها از نظر مقیاس فعالیت باید در اولویت تأثیرگذاری بر تصمیمات مزدی قرار گیرند.

تناسب حقوق و مزایای دریافتی نیروی کار دارای مهارت و تجربه در مشاغل مختلف، به واسطه تأثیرگذاری فعالیت نیروی کار ماهر در بهره‌وری و خروجی کار انتظار عیبی نیست. در واقع بهره‌مندی دوسویه نیروی کار دارای مهارت و تخصص و کارفرما از خروجی وضعیت کار باید زمینه‌ای برای تحقق دستمزد کافی و مورد انتظار کارگران باشد. در این صورت است که کارگران فنی، انگیزه لازم برای ماندن در شغل‌ها را خواهند داشت. اصغر آهنی‌ها، کارشناس حوزه کار و تولید و نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار با تأکید بر ضرورت پرداختن به دستمزد سایر سطوح در کنار مذاکرات مزدی حداقل بگیران، به «آتیه نوا» گفت: «همواره در جامعه ما گفت‌وگوهای حوزه دستمزد نیروی کار حول محور مزد نیروی کار حداقل‌گیر به عبارتی مسئله حداقل دستمزد نیروی کار شکل می‌گیرد. در این بین دستمزد سایر سطوح یا همان سایر سطوح مزدی مورد غفلت واقع می‌شود.»

او در ادامه بیان کرد: «در واقع به‌طور معمول در راستای مذاکرات مزدی و توجه به تصمیم‌سازی‌های حوزه دستمزد نیروی کار، سایر سطوح مزدی شامل نیروی کار دارای مهارت بیشتر و با تجربه‌تر کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند.» به گفته آهنی‌ها نکته اساسی در ارتباط با تعیین دستمزد نیروی کار دارای مهارت و سایر سطوح مزدی، عدم تناسب بین مهارت، تجربه کار و میزان دریافتی بخشی از جمعیت شاغل در حوزه کسب‌و کار است. این کارشناس بازار کار اضافه کرد: «تجربه افزایش دستمزد نیروی کار در سال‌های گذشته بیانگر شکل‌گیری منحنی مزدی نیروی کار سایر سطوح با شیب کاهشی است؛ این مقایسه با دستمزد مشخص شده برای حداقل بگیران حوزه کارگری صورت گرفته است.»

کارگران ماهر و بی‌انگیزه

این فعال حوزه کار و تولید، نقش دستمزد کافی در استمرار انگیزه نیروی کار ماهر برای حضور در مشاغل را مورد تأکید قرار داد و افزود: «آسیب اصلی در ارتباط با بی‌توجهی به تعیین دستمزد نیروی کار دارای مهارت در قالب سایر سطوح مزدی به کاهش انگیزه این بخش از جامعه کارگری برای ادامه اشتغال در مشاغل مختلف برمی‌گردد.» او در این ارتباط توضیح داد: «پایداری و رشد انگیزه کارگران دریافت‌کننده دستمزد سایر سطوح به‌طور مستقیم به نحوه تعیین مزد برای این افراد مرتبط می‌شود. استمرار روند یادشده، زمینه کاهش تمایل افراد ماهر به اشتغال در کارهای مختلف و تمایل آنان به ترک کارهای مذکور و اشتغال در دیگر فرصت‌های شغلی است. همچنین تثبیت یا ادامه این وضعیت، موجب خروج نیروی کار ماهر از بازار کار و تولید و طبیعتاً کاهش آمار اشتغال رسمی و افزایش داده‌های مربوط به بخش غیررسمی فضای کسب‌و کار می‌شود.» آهنی‌ها افزود: «باید توجه

تأثیر متقابل دستمزد، بازار کار و اقتصاد بر یکدیگر چقدر است؟

شاخص‌های مؤثر بر تصمیمات مزدی



داشت که نیروی کار سایر سطوح مزدی حدود ۸۰ درصد جامعه کارگری را شامل می‌شوند و صرف زمان گفت‌وگو در شورای عالی کار برای بهبود وضعیت مرتبط با حقوق و دستمزد این بخش از نیروی کار مورد انتظار است. به‌طور حتم برای پیشگیری از کاهش انگیزه اشتغال نیروی کار ماهر سایر سطوح باید به دنبال تصمیم‌سازی پهنه دستمزد برای این بخش از جامعه کار و تولید باشیم.» این کارشناس حوزه کارفرمایی یکی از علل نپرداختن به موضوع دستمزد سایر سطوح و عدم تأمین مزد مناسب برای این بخش از نیروی کار را به حجم بالای حقوق‌بگیران سایر سطوح در زیرمجموعه‌های نهاد دولت دانست و گفت: «با رشد دستمزد مصوب سایر سطوح، افزایش هزینه‌های بودجه‌ای مرتبط اتفاق می‌افتد. از سوی دیگر محقق‌نشدن دستمزد مورد نظر سایر سطوح، منجر به برهم خوردن بیشتر تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار در فضای کسب‌و کار می‌شود؛ به این معنی که در این شرایط کارفرمایان بیش از گذشته با کمبود نیروی کار دارای مهارت‌های به‌روز و لازم مواجه خواهند شد.»

دستمزد و شرایط اقتصاد کلان

کارشناسان حوزه بازار کار، ارتباط مستقیمی بین شاخص‌های اقتصاد کلان و دستمزد نیروی کار برقرار می‌کنند. در واقع شرایط اقتصادی و خروجی شاخص‌های این حوزه بر وضعیت مزدی جامعه کارگری تأثیرگذار خواهد بود. آهنی‌ها در این ارتباط گفت: «با توجه به تأثیرگذاری مستقیم شرایط اقتصادی به‌ویژه اقتصاد کلان با موضوع دستمزد نیروی کار، به هر اندازه بهبود خروجی وضعیت شاخص‌های اقتصادی در کشور اتفاق بیفتد، طبیعتاً امکان تعیین دستمزد عادلانه‌تر و منطقی‌تر برای نیروی کار به‌وجود می‌آید.» او اضافه کرد: «موضوع سبد معیشت خانوار کارگری به شاخص‌های متعددی بستگی دارد که موضوع مسکن جامعه کارگری یکی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با آن محسوب می‌شود. کنترل وضعیت مسکن در جامعه و برنامه‌ریزی و اقدام برای ساخت یا تأمین مسکن کارگری یا حداقل کاهش هزینه‌های تهیه مسکن برای اقشار کارگری، کاهش قابل توجه هزینه‌های سبد خانوار را به دنبال دارد.» آهنی‌ها توضیح داد: «نقطه مقابل رشد درآمد نیروی کار، کاهش هزینه‌های زندگی یا همان سبد معیشت خانوار کارگری است؛ به‌عبارتی در شرایط مناسب اقتصاد کلان، کاهش هزینه‌ها وضعیت بهتری در برابر افزایش درآمد کارگران رقم خواهد زد. طی بیش از یک دهه گذشته، ساخت مسکن جامعه کارگری در سطح کشور به‌طور ملموسی روند کاهشی داشته و به هیچ عنوان

کارگری



atiyeno.ir

دغدغه ایمنی و امنیت شغلی در معادن

مطابق داده‌های مرکز اطلاعات و راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی حدود ۶۰۰۰ معدن در سطح کشور فعالیت دارند. این در حالی است که ارزیابی‌های غیررسمی از فعال بودن تعداد بیشتر معادن خبر می‌دهد.

بر اساس آمارهای موجود حدود ۹۵ هزار کارگر در معادن کشور مشغول به کارند و عمده این افراد به‌واسطه ماهیت ناایمن اشتغال در بسیاری از معادن، دغدغه ایمنی کار و چالش‌های آسیب ناشی از حوادث را تجربه می‌کنند. از سوی دیگر، امنیت شغلی پایین با وجود قراردادهای موقت، مسائل مرتبط با پوشش بیمه‌ای، دستمزد ناکافی و غیرمتناسب با شرایط کاری و بسیاری دیگر از موضوعات، برای شاغلان معادن چالش‌آفرین است.

بر مبنای داده‌های موجود، نرخ حادثه در معادن بسیار بالاست. طبق آمار رسمی در دهه ۹۰ حدود ۳۰۰ حادثه در معادن کشور منجر به فوت حدود ۵۰۰ نفر از کارگران این بخش شد. همچنین ۱۳ تا ۱۴ هزار نفر نیز مصدوم و تعدادی از آن‌ها به قطع عضو یا نقص عضو دچار شدند.

علی‌خدايي، نایب رئیس کانون عالی شورای اسلامی کار امنیت شغلی، معیشت و تشکلیابی را سه ضلع مطالبات کارگران دانست و گفت: «در حال حاضر تمام کارگران در زمینه امنیت شغلی دچار بحران هستند. اگر امنیت شغلی را برای کارگر ایجاد کنیم و اجازه دهیم حقوق خود را مطالبه کند، بسیاری از مشکلات حل می‌شود.»

همچنین مسائل مربوط به سخت و زبان‌آوری اشتغال در معادن نیز از دیگر موضوعات مورد انتظار جمعیت شاغل در معادن است. به‌طوری که آسیب‌های فیزیکی، شیمیایی، روحی، روانی و جسمی محیط کار معادن از چالش‌هایی است که معدن‌کاران را تهدید می‌کند.

موضوع فرار بیمه‌ای برخی پیمانکاران حوزه معادن از دیگر مشکلات فعالان و شاغلان این بخش محسوب می‌شود. به دلیل کوتاهی بخشی از پیمانکاران نیروی انسانی معادن یا کارفرمایان این حوزه، بخش قابل‌توجهی از سال‌های بیمه‌پردازی نیروی کار شاغل در معادن حذف می‌شود. بسیاری از فعالان حوزه کارگری، وجود تشکلهای کارگری فعال را زمینه‌ساز حل بسیاری از چالش‌های شاغلان معادن می‌دانند و عمده نیروی کارگری معادن نیز وجود پیمانکاران نیروی انسانی را مانع تحقق این مهم تلقی می‌کنند.

طبق بررسی‌های غیررسمی حداقل در یک دهه گذشته به‌خاطر چالش‌های امنیت شغلی و مزدی نیروی شاغل در معادن، تنوع سبد کالایی خانوارهای این بخش از جامعه کارگری مشاهده نمی‌شود. در این مدت، جابه‌جایی

منابع و نابرابری گسترده در توزیع آن، پیمانکاران را وادار کرده میزان دستمزد سالانه را کمتر از نرخ تورم و مزد مصوب پرداخت کنند. افزایش هزینه‌های زندگی در برابر دستمزد کمتر از نرخ تورم، شکاف میان درآمد و هزینه‌ها را افزایش داده است.

از طرفی مسائل روحی و روانی، خانواده‌این نوع کارگران را نیز متأثر کرده است. چالش‌های سختی کار و احتمال آسیب‌های سخت و فوت ناشی از حوادث شغلی در کنار مشکلات قراردادی و دستمزددریافتی، مجموعه‌ای از چالش‌ها را برای فیرد کارگر معدن و خانواده‌او موجب شده است.

در شرایط کنونی فعالیت معادن کشور و با توجه به حوادث سال‌های اخیر، ضرورت ارتقای وضعیت قراردادی و امنیت این بخش از نیروی کار، بهبود وضعیت حقوق و مزایای آنان، حذف پیمانکاران نیروی انسانی و ارتباط مستقیم این کارگران با کارفرما، رصد دائم پوشش بیمه‌ای آنان و گسترش استانداردهای ایمنی این حوزه برای رسیدن به حداقل انتظارات منطقی به‌نظر می‌رسد.



تأمین اجتماعی باید به‌واسطه پرداخت یا ایفای تعهدات دولت در قبال این سازمان باشد. از طرف دیگر دولت‌ها براساس قانون نسبت به پرداخت سهم سه درصدی تمامی گروه‌های مشمول تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی وظیفه دارند و این ارقام باید به‌صورت ماهانه به این نهاد پرداخت شود.»

هزینه‌های سربار آموزش

عضو کارفرمایی شورای‌عالی کار، هزینه‌های سربار آموزش را از دیگر موارد تأثیرگذار بر وضعیت معیشت و درآمد خانوار کارگری دانست و گفت: «طبق قانون اساسی، ارائه آموزش رایگان به اقشار مختلف جامعه باید در دستور کار دولت‌ها باشد. به این ترتیب رشد هزینه‌های آموزشی خارج از قاعده به خانوارهای کارگری و کاهش هزینه‌کرد مسکن و خوراک در سبد معیشت خانوار نیروی کار، هزینه‌های جامعه کارگری را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در این شرایط حتی رشد دستمزد نیروی کار به میزان بالا، پاسخگوی هزینه‌های خانوار جامعه کارگری نخواهد بود.» او اضافه کرد: «تأمین هزینه‌های خانوار کارگری را نباید تک‌بعدی درنظر گرفت؛ به این معنی که مجلس شورای اسلامی باید نسبت به تناسب مصوبات حوزه کار با سبد هزینه خانوار کارگری توجه لازم‌را داشته باشد. همچنین دولت و دیگر نهاده‌اوافراد مرتبط باحوزه کار و تولید باید به‌صورت زنجیروار نسبت به تأمین هزینه‌های سبد معیشت خانوار کارگران اقدام کنند.»

کارگاه‌های کوچک و بزرگ

این فعال حوزه کارفرمایی در ادامه، به لزوم توجه به توان پرداخت دستمزد کارگاه‌های کوچک و بزرگ اشاره کرد و گفت: «در حال حاضر قوانین و مقررات مربوط به حوزه تصمیم‌سازی و اجرای مصوبات مزدی سالانه برای کارگاه‌های بزرگ، متوسط و کوچک مقیاس تفاوت خاصی ندارد. همه تصمیمات مربوط به دستمزد نیروی کار باید از سوی کارگاه‌های فعال در یک چارچوب اجرا و ضمانت اجرایی داشته باشد.» به گفته او در گذشته قوانین و مقررات این حوزه برای فعالیت‌های بخش کشاورزی یا فعالان صنوف مختلف تفاوت داشت و این شرایط، وضعیت متفاوتی را در اختیار اقشار فعال در گروه‌های مختلف شغلی قرار می‌داد. آهنی‌ها بیان کرد: «اکنون براساس برآوردها بخش عمده فعالیت‌های کارگاهی کشور در اختیار مشاغل خُرد است. در واقع کارگاه‌های کوچک بیشترین میزان فعالیت حوزه کسب‌و کار کشور را در اختیار دارند. طبیعتاً مشاغل مربوط به کارگاه‌های کوچک یا در مواقعی فعالیت‌های کارگاهی متوسط نسبت به کارگاه‌های بزرگ در برابر فشارهای اقتصادی و موضوعاتی نظیر دستمزد تاب‌آوری ضعیف‌تری دارند.» این فعال حوزه کار ادامه داد: «پرداخت ۱۰۰ درصدی حقوق، دستمزد و مزایای مصوب شورای‌عالی کار حتی برای نیروی کار غیرکارآمد و بدون مهارت و تجربیات لازم، بخشی از آسیب‌های مزدی به کارگاه‌ها را موجب می‌شود. به این واسطه باید کارگاه‌های مختلف را به تناسب نوع فعالیت و میزان بزرگی و کوچکی محیط کار مورد بررسی قرار دهیم. و به این نسبت، تصمیمات دستمزدی در ارتباط با آنان لحاظ شود. استمرار مشکلات و چالش‌های حقوقی بین کارفرما و نیروی کار را کالابُرج یا بین‌کارت با قیمت مناسب در اختیار مردم قرار دهیم. می‌توان از دیگر صدمات پرداخت غیرهمسان دستمزد به جامعه کارگری دانست.» این عضو کارفرمایی شورای‌عالی کار افزود: «همچنین در حوزه مواد خوراکی باید اقلام و کالاهای اساسی و مورد نیاز اقشار مختلف جامعه به‌ویژه کارگران را تأمین و به‌صورت کالابُرج یا بین‌کارت با قیمت مناسب در اختیار مردم قرار دهیم.

این رویه امکان کاهش فشار بر اقشار کارگری و حتی کارفرمایی را به دنبال خواهد داشت. جامعه کارفرمایی هم به واسطه کاهش بار مالی و معیشتی به کارگران، امکان تحقق دیگر حمایت‌ها نظیر تعامل در ساخت مسکن کارگری و مزد مناسب را خواهد داشت.»

وظیفه دولت در پرداخت سهم حق بیمه

آهنی‌ها در ادامه به تأثیرپذیری هزینه‌های درمان خانوار کارگری از هزینه تحمیلی بازنشستگی‌های پیش از موعد به سازمان تأمین اجتماعی اشاره کرد و گفت: «از سوی دیگر حجم بالای بازنشستگی‌های پیش از موعد به واسطه تأثیرگذاری بر منابع تأمین اجتماعی، مانعی در برابر بهبود مستمر وضعیت درمان جامعه کارگری محسوب می‌شود. در حال حاضر بخش زیادی از جامعه تحت پوشش این سازمان در قالب گروه‌های مختلف شاغلان از پرداخت حق بیمه معاف هستند و دولت موظف به پرداخت سهم حق بیمه آنان است. مطابق قانون، دولت باید این میزان از سهم حق بیمه را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کند.» او ادامه داد: «سازمان تأمین اجتماعی نهادی بین‌نسلی است و دولت باید نسبت به هزینه‌ها و تعهدات ایجاد شده در قبال این بیمه‌گر اجتماعی، اقداماتی انجام دهد. در واقع انتظار دریافت خدمات از سوی گروه‌های مختلف اجتماعی تحت پوشش

مرکز آمار ایران بررسی کرد

جزئیات مشارکت اقتصادی در یک سال اخیر

بر اساس نظر کارشناسان حوزه بازار کار و تولید، توزیع فرصت‌های شغلی و میزان توسعه‌یافتگی را می‌توان از اصلی‌ترین دلایل ثبت نرخ مشارکت اقتصادی مختلف در مناطق متفاوت کشور محسوب کرد. به این واسطه در استان‌های برخوردار، فرصت‌های بیشتری برای حضور گروه‌های مردمی در کسب‌و کارها وجود دارد. در این مناطق، افزایش جمعیت شاغل به نسبت استان‌های محروم، رونق اقتصادی و وضعیت بهتر شاخص مشارکت اقتصادی اتفاق می‌افتد. بررسی و برآورد وضعیت حوزه بازار کار نشان می‌دهد که حذف یا کاهش تفاوت آماری بین نرخ مشارکت اقتصادی مناطق مختلف نیازمند اجرای نظام توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی، امکانات و بهبود زیرساخت‌های اقتصادی استان‌های محروم است.

فعالیت روستاییان بالاتر از متوسط کشوری

طبق برآورد تازه حوزه بازار کار، جمعیت فعال روستایی کشور نرخ مشارکت بالاتری نسبت به شهرنشینان ثبت کرده‌اند. به این واسطه در حالی نرخ مشارکت اقتصادی روستاییان در پاییز سال ۱۴۰۲ به میزان ۴۲.۸ درصد ثبت شده که این سهم در فصل مشابه امسال به ۴۲.۶ درصد رسیده است. این در شرایطی است که حتی با توجه به روند کاهشی نرخ یادشده در یک‌سال اخیر، همچنان این میزان از مشارکت اقتصادی ساکنان شهرها و میانگین

ایلام با ۳۱.۴ درصد، کهگیلویه و بویراحمد ۳۳.۷ درصد، مرکزی ۳۶.۳ درصد، فارس ۳۷.۵ درصد و سمنان با ۳۸.۳ درصد قابل مشاهده است.

همچنین جدیدترین گزارش مرکز آمار در ارتباط با تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی کشور نشان‌دهنده ثبت روند کاهشی این شاخص در ۱۷ استان در پاییز امسال است. در مقایسه دو فصل پاییز سال‌های اخیر، مشارکت اقتصادی در ۱۴ استان بدون تغییر و یا روند افزایشی داشته است. به این واسطه در بیش از ۵۰ درصد مناطق جمعیتی کشور شاهد روند کاهشی شاخص مذکور در یک‌سال منتهی به پایان آذرماه سال ۱۴۰۳ بوده‌ایم.

بیشترین و کمترین نوسان

مطابق خروجی اطلاعات جدید مرکز آمار ایران از وضعیت روز بازار کار، استان‌های یزد با ۲.۹ درصد و اصفهان با ۲.۸ درصد به ترتیب بالاترین میزان کاهش نرخ مشارکت اقتصادی را در بازه یک‌سال منتهی به پایان پاییز ۱۴۰۳ در اختیار دارند.

همچنین براساس برآوردهای گزارش چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در پاییز سال جاری، استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و قم به ترتیب با ۲.۶ درصد و ۲.۳ درصد بیشترین سهم افزایش نرخ مشارکت اقتصادی را به خود اختصاص داده‌اند.

گزارش مطابق جدیدترین خروجی مرکز آمار ایران، نرخ مشارکت اقتصادی کشور

در فصل پاییز سال ۱۴۰۳ با توجه به روند کاهشی یک‌ساله اخیر از ۴۱.۵ درصد به ۴۱.۲ درصد رسیده است؛ به این واسطه مشارکت اقتصادی ۱۷ استان، کمتر از نرخ متوسط کشوری به ثبت رسیده است. بر اساس خروجی وضعیت مشارکت اقتصادی جمعیت فعال کشور، در محدوده زمانی حدود یک‌سال اخیر کاهش ۰.۳ درصدی این مؤلفه اتفاق افتاده است.

بررسی جدول آمار مقایسه‌ای شاخص مشارکت اقتصادی در فصول پاییز دو سال اخیر بیانگر ثبت نرخ مشارکت ۵۱.۶ درصدی در استان زنجان است. منطقه مذکور در مدت اشاره‌شده، بالاترین میزان برآورد این شاخص را در کشور به خود اختصاص داده است. در این ارتباط فاصله ۱۰.۴ درصدی مشارکت اقتصادی زنجان با میانگین کشوری قابل توجه است.

بر اساس خروجی آماری جمعیت فعال کشور، استان‌های زنجان با ۵۱.۶ درصد، خراسان رضوی با ۴۶.۴ درصد، خراسان شمالی با ثبت ۴۵.۳ درصد و اردبیل با نرخ ۴۵.۲ درصدی به ترتیب بالاترین میزان مشارکت اقتصادی در سه‌ماهه سوم امسال را در اختیار دارند. کمترین سهم مشارکت اقتصادی یک‌سال اخیر نیز در استان‌های